روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

یکشنبه • ۱ اسفند ۱۳۹۵ • ۲۱ جمادی‌الاول ۱۴۳۸ • ۱۹ فوریه ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۰۷ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۰۸ • اذان صبح فردا ۵:۲۲ • طلوع آفتاب ۶:۴۶

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

ماجرای عشق و عاشقی میدون

محسن رضایی فلسفه را زیرورو کرد

● **پوریا عالمی:** محسن رضایی، اندیشمند معاصر، کی‌یر که‌گور ایرانی، جمله آخر را گفت و کار جهان را یک‌سره کرد. وی گفت: «چرا دولتمردان پیش‌بینی نکردند که ممکن است بازی بازها و کبوترها در آمریکا به روی‌کارآمدن دولت جمهوری‌خواه و ضدبرجام منجر شود؟»

بعد از این جمله همه فیلسوفان جهان مغزشان را ریختند روی هم تا این جمله را کشف رمز کنند که متأسفانه بر اثر فشار وارده، ۶۰ درصد فلاسفه سکته مغزی کردند.

تحلیلگر شبکه خبر نیز دیشب گفت: بازی بازها و کبوترها را با هم که در نظر بگیری، می‌شود کبوتربازها. از طرفی بنا بر اصل در باز است، باز، پرنده است و در نتیجه در پرنده است.

جمله کلیدی دکتر محسن رضایی سبب شد دست آمریکا رو بشود و اعلام کند ما تا الان سیاست یک‌بام‌ودوهوا داشتیم و هم کفتر هوا می‌کردیم، هم با باز بازی می‌کردیم، اما رضایی دست ما را رو کرد. ما بدبخت شدیم.

دکتر کزازی اما خطاب به محسن رضایی گفت: محسن جان، اون که گفتی اصلش اینه: کبوتر با کبوتر باز با باز، کند همجنس با همجنس پرواز.

بعد از اعلام نظر محسن رضایی، کبوترها و بازها و قناری‌ها و فنچ‌ها با تجمع جلو کاخ سفید حمایت خود را از ترامپ اعلام کردند و گفتند: او تنها کسی بود که به ما بال‌وپر داد تا وارد عرصه سیاست بشیم.

وصیت: سوفیا... عشق من... من هربار سیاست‌مداران ما عمیق حرف می‌زنند، خیلی احساس سطحی‌بودن می‌کنم چی‌کار کنم؟

عاشق سطحی کفترباز تو؛ میدون دوم

پیشنهاد

● رونمایی از کتاب «داستان‌های دیدنی» حاوی ۲۰۰ طرح منتشرنشده کامبیز درمبخش، روز دوم اسفند ساعت ۱۶ تا ۱۸ در شهرکتاب مرکزی با حضور کامران شیردل و جواد مجابی برگزار می‌شود. انتشارات دنیای اقتصاد این اثر را منتشر کرده است. شهرکتاب مرکزی در خیابان بخارست، کوچه سوم قرار دارد و تمام علاقه‌مندان فرهنگ و هنر می‌توانند در این مراسم شرکت کنند.

کارتون خواب

مهدی عزیزی

چالش مزد و معیشت در تدارک کالاهای شب عید

آکادمی

پزشکانِ دزد یا شرافت از دست رفته تبلیغات

دکتر علیرضا مقدسی*: به‌تازگی مؤسسه به‌اصطلاح فرهنگی آرمان‌مدیا کلیپی ساخته است که با یک سؤال موهن شروع می‌شود. ورقه‌ای به مصاحبه‌شونده نشان داده می‌شود و از وی می‌پرسد کدام‌یک دزدترند!؟ در ابتدا بیننده گمان می‌کند احتمالا عکس اختلاسگری، قاتلی چیزی به مردم نشان داده شده است، ولی از شدت تعجب مصاحبه‌شوندگان می‌فهمیم سؤال برای آنها هم عجیب بوده است. یکی فکر می‌کند اشتباه شنیده و می‌پرسد درست‌تر؟ و... . اینجاست که کارگردان با یک تکنیک فوق‌حرفه‌ای! بیننده را غافلگیر می‌کند و دو گزینه را نشان می‌دهد؛ پزشکان یا خودروسازان، کدام‌یک دزدترند! پس از دیدن کلیپ غمگین می‌شوم و فکر می‌کنم. به تمام لحظه‌هایی که از روز پزشک‌شدنم سپری کرده‌ام. شاید کلیپ راست بگوید؛ شاید من دزد باشم. باز هم فکر می‌کنم و همه ۱۰سالی را که از پزشک شدنم می‌گذرد، سریع از جلوی چشمانم می‌گذرانم. بله من دزد هستم. اولین سال طبابتم لحظه سال تحویل و همچنین نوروز خودم را از مادرم دزدیدم و کنارش نماندم و پزشک کاروان راهیان نور بودم و عید را در شلمچه با شلیک کلاشنیکوف و هم‌زدن شله‌زرد تحویل کردم. از آن سال به بعد دقیقا هیچ سال‌تحویلی را خارج از بیمارستان نبوده‌ام. من خودم را از پدرم هم دزدیدم، وقتی پیکر نیمه‌هوشیار پدرم را به بیمارستان قلب رجایی می‌بردند، من هزار کیلومتر دورتر در منطقه‌ای مرزی خسته از ۱۶ عمل جراحی و ویزیت ۷۰ بیمار روی صندلی خوابم برده بود و حتی صدای تلفن را نمی‌شنیدم. وقتی هراسان بیدار شدم، خودم را بی‌پناه‌ترین و بیچاره‌ترین موجود زمین یافتم. پدر عزیزم روی تختی افتاده بود و من حتی نمی‌توانستم کنارش باشم، من دیگر به دزدی عادت کرده‌ام. خودم را باید از همسرم هم بدزدم. بعد از ویزیت انبوهی بیمار، در یک شهر کوچک و دورافتاده به ویزیت بیماری می‌رفتم که در بیمارستان شهر دیگری به دلیل عارضه مغزی بستری شده بود و چون چندی قبل چشمش را عمل کرده بودم، به‌خاطر اینکه فرزندانش خیالشان راحت باشد خیال همسرم را آشوب می‌کنم و ساعت ۱۱ شب به شهر دیگری می‌روم و تا برگردم همسرم را نگران بر سر میز غذایی دست‌نخورده و ازدهن‌افتاده می‌بینم. من دزدم و از این دست دزدی‌ها بسیار کرده و خواهم کرد؛ اما این کلیپ‌ها و این سناریوها نباید برایم عجیب باشد. اینکه حدود یک‌سال است که پزشکان همکار بخش دولتی حقوق‌هایشان را به‌دلیل بدعهدی بیمه نگرفته‌اند. اینکه نزدیک پایان سال است و موعد تعیین تعرفه‌های خدمات سلامت در سال جدید است. اینکه انتخابات ریاست‌جمهوری نزدیک است و مؤسسه‌ای که ساخت کلیپ انتخاباتی کاندیدای رقیب ریاست‌جمهوری دولت فعلی تدبیر و امید را بر عهده داشته است، چنین کلیپی بسازد. اینکه پزشکان و سلامت مردم، مرغ عزا و عروسی سیاست شده‌اند. اینکه پرداخت میلیاردها بدهی عقب‌افتاده بسیار بسیار سخت‌تر از ساختن کلیپ‌هایی ازاین‌دست است. همه اینها نباید برایم عجیب باشد؛ آنچه برایم عجیب است، سکون و بی‌تدبیری نظام پزشکی در پیگرد قانونی سازندگان چنین کلیپ هتاکانه‌ای است که وفق ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی، عملی مجرمانه انجام داده‌اند که با حکم قاضی مستوجب حبس از یک ماه تا یک سال یا تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد شد.

* **جراح و متخصص چشم، فوق‌تخصص قرنیه**

اتفاق

فردا؛ انتخاب پایتخت کتاب ایران

شرق: مراسم پایانی سومین دوره پایتخت کتاب ایران، روستاها و عشایر دوستدار کتاب ساعت ۱۵ تا ۱۷ دوشنبه دوم اسفند در تالار وحدت برگزار می‌شود. در این مراسم که با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار خواهد شد، پایتخت کتاب ایران از میان ۲۰ نامزد راه‌یافته به مرحله نهایی داوری، معرفی خواهد شد. از ۱۰ روستای برگزیده دوستدار کتاب نیز تقدیر به عمل خواهد آمد. شهرهای اصفهان، اوز، برازجان، بوشهر، تبریز، تفت، دزفول، دمق، زرند، کاشان، کرمان، کنگان، شبانکاره، شهرری، شهرضا، شهرکرد، شیراز، لاهیجان، ورامین و یزد، به مرحله نهایی داوری راه پیدا کرده بودند. این انتخاب از بین ۱۰۳ شهر و ۹۵۰ روستا انجام شده است. این خبر به دلایل زیر حس خوشی را القا می‌کند:

۱- این خبر گسترش توجه به کتاب و کتاب‌خوانی در گوشه و کنار کشوررا نشان می‌دهد و باور این نکته که تهران تمام ایران نیست.

۲- یک نگاه به این فهرست نشان می‌دهد چقدر شهرهای کوچک و ناآشنا توانسته‌اند ایده‌های ابتکاری و خلاقانه داشته باشند که به مرحله نهایی راه یابند و در بین شهرهای نامزد پایتخت کتاب حاضر شوند.

۳- آیا این هم یک حرکت نمایشی دیگر است؟ اینکه دولت به وظیفه خود در گسترش کتاب‌خوانی می‌پردازد، درخور توجه است؛ اما یک برتری که نسبت به دیگر فعالیت‌ها وجود دارد، توجه به فعالیت‌های روستاها و عشایر دوستدار کتاب است که نشان‌دهنده ابتکاری است که در گستردگی و توجه به جزئیات وجود دارد.

۴- قرار است این حرکت بی‌حاصل بماند؟ وقتی صحبت از علاقه‌مندی بیش از هزاروصد شهر و روستا به این انتخاب است، حتما این ماجرا ادامه پیدا خواهد کرد، به‌ویژه که پایتخت کتاب شهر و روستا بیشتر بر مبنای خلاقیت افراد شکل گرفته است. پس کسانی که ابتکارهای این‌چنین داشته‌اند حتما ناامید نمی‌شوند و این راه را ادامه می‌دهند.

۵- فرصتی برای ذائقه‌سنجی برای ناشران و دست‌اندرکاران کتاب تا دریابند کتاب را باید به شکلی ارائه کرد که برای نسل جدید جذاب باشد.

۷- مسئولیت فرهنگی توجه به کتاب‌خوانی، با این شیوه‌ها از وظیفه‌ای برگردن دولت به خود مردم و نهادهای مردمی محول می‌شود.

۸- ما از دنیا در برخی مسائل عقب هستیم، تعارف هم نداریم، درحالی که طبق شعار «ایفلا» - فدراسیون بین‌المللی انجمن‌ها و مؤسسه‌های کتابداری- برنامه جهانی تا سه سال دیگر این است که مردم در سراسر جهان بتوانند با استفاده از تلفن همراه، به آرشیو کتابخانه‌های جهان دسترسی پیدا کنند ما درگیر پیوستن به کپی‌رایت یا رعایت‌نکردن کپی‌رایت حتی برای ترجمه هم‌زمان یک کتاب هستیم؛ اما برنامه پایتخت کتاب درپی معرفی طرح‌های خلاقانه‌ای است که دسترسی آسان به کتاب‌خوانی در کافه‌ها، رستوران‌ها، مترو، تاکسی تلفنی و... فراهم شود. همچنین مجموعه‌ای از کتابخانه‌های کوچک سیار و پویا در شهرهای متعدد فراهم شود.

۹- می‌توان امیدوار بود که این فعالیت‌ها حتی با تغییر مدیر و دولت ادامه داشته باشد.

۱۰- شاید این اقدامات بتواند وجهه دیگری از ایران را نشان دهد تا زمانی که یکی از شهرهای ایران نیز به‌عنوان پایتخت جهانی کتاب نامش بدرخشد، نیشابور سال پیش به این آرزو نزدیک شده بود.